

نقش موضوع در کاربرد استعاره مفهومی

حسین رضویان* / صدیقه طهماسبی بیرگانی**

چکیده

استعاره که به الگوبرداری میان حوزه‌ای یا به هر نوع فهم و بیان یک حوزه انتزاعی در قالب یک حوزه ملموس‌تر اطلاق می‌شود، یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در حوزه شناختی است و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پژوهشگران بسیاری بر این موضوع که استعاره، جزئی جدایی‌ناپذیر و عجین شده با زبان ماست صحه نهاده‌اند. اما در بررسی‌های ابتدایی صورت گرفته پیش از انجام پژوهش به نظر می‌رسید، بسامد و نیز شیوه کاربرد استعاره‌های مفهومی در حوزه‌های مختلف، با هم تفاوت داشته باشد. این موضوع نگارندگان این مقاله را بر آن داشت تا در یک بررسی مقابله‌ای و با تکیه بر داده‌های دو حوزه آشنیزی و ورزشی به بررسی این مسأله بپردازند. بدین ترتیب دو شماره از مجله «هنر آشنیزی» و دو شماره از مجله «دنیای ورزش» به‌طور تصادفی انتخاب و کلیه جملات حاوی استعاره‌های مفهومی از خلال مطالب این چهار مجله استخراج شد. نتایج و یافته‌ها از تعدد و تنوع چشمگیر استعاره‌ها در حوزه ورزشی و نیز بسامد و تنوع اندک آن در حوزه آشنیزی حکایت داشت. همچنین بر اساس شواهد به دست آمده، حوزه مبارزه، بیشترین میزان فراوانی و حوزه کتابت کمترین میزان فراوانی را در مجلات ورزشی به خود اختصاص داده‌اند. کاربرد فراوان استعاره حوزه مبارزه در مجلات ورزشی را شاید بتوان به روح رقابت در فعالیت‌های ورزشی مربوط دانست. در مجلات آشنیزی نیز بیشترین میزان فراوانی به حوزه شکل و کمترین میزان فراوانی به حوزه اندازه و جهت تعلق داشت. کاربرد فراوان استعاره حوزه شکل در مجله آشنیزی نیز از اهمیت شکل و فرم ظاهری حکایت دارد.

کلیدواژه: زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، حوزه مفاهیم ورزشی، حوزه مفاهیم آشنیزی

۱. مقدمه

استعاره به آن دسته از کارکردهای زبانی گفته می‌شود که در آن‌ها، جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر منتقل می‌شود، به گونه‌ای که از شیء دوم به شکلی یاد می‌شود که گویی شیء اول است. فهم آرا و افکار پیچیده و برقراری ارتباط با کمک آن‌ها نیازمند نوع جدیدی از زبان است. این زبان باید مبتنی بر استعاره باشد و عملکرد استعاره به این صورت است که چارچوبی^۱ برای درک ارتباطات فراهم می‌آورد (جی‌ان‌جاج^۲، ۱۳۹۱: ۶۱). زبان ما زبان استعاری است و بی‌استعاره زبانی هم وجود نخواهد داشت. اگر استعاره نباشد چه‌بسا زبان تفهیم و تفاهم کوچک و بازار نیز مختل شود. وقتی حرف می‌زنیم خواسته یا ناخواسته، استعاره وارد زبانمان می‌شود (داوری اردکانی، ۱۳۹۱: ۹ و ۸). بیشتر مفاهیم کاربردی انسان‌ها با تعاریف اشاری ساخته نمی‌شوند و بهترین وسیله شناخت آن‌ها مفاهیم ملموس است، به نحوی که مفهوم ملموس، مبنایی برای درک مفهوم انتزاعی قرار می‌گیرد (لیکاف^۳، ۱۹۹۳: ۲۸) و از آنجا که مفاهیم برگرفته از تجربیات ما نامحدودند، استعاره‌ها می‌توانند ابزار نظام‌مندی برای معرفی بهتر این مفاهیم باشند.

۲. پیشینه مطالعات

مقاله لیکاف (۱۹۹۳) با عنوان «فرضیه معاصر استعاره»^۴ سرآغاز پژوهش‌های جدی دیگر پژوهشگران در این زمینه است. مهم‌ترین بررسی صورت گرفته در حوزه استعاره مفهومی، از سوی لیکاف و جانسون^۵ (۱۹۸۰) با انتشار کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم»^۶ به انجام رسید. در این کتاب تأثیر استعاره‌ها و طرح‌واره‌های مفهومی

1-Script

2-J. N. Judge

3-Lakoff

4-Contemporary Theory of Metaphor

5-Lakoff & Johnson

6-Metaphors We Live By

بر شناخت و اندیشه‌های انسان، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. لیکاف و ترنر^۱ (۱۹۸۹) در کتاب «فراتر از استدلال محض»^۲ با ارائه نمونه‌هایی از شعر و نیز گفتار روزمره نشان دادند که اغلب مفاهیم اساسی مطرح در زندگی انسان از جمله زمان، زندگی و مرگ به شکل استعاری درک می‌شوند. لیکاف (۱۹۸۹) در کتاب «زنان، آتش و چیزهای خطرناک»^۳ فلسفه، زبان‌شناسی و روان‌شناسی را یک‌جا گرد هم آورده است و شناخت را به‌عنوان واسطه‌ای میان محیط و موجودی که قابلیت درک کردن دارد، معرفی می‌کند. در کتاب «زبان‌شناسی و ادبیات» تألیف بورشه، مقاله‌ای با عنوان «استعاره» نوشته واینریش^۴ و ترجمه صفوی (۱۳۸۶) وجود دارد که به پیشینه استعاره از دیرباز تاکنون اختصاص یافته و در آن، مطالب ارزشمندی پیرامون سیر تحول مفهوم استعاره ارائه شده است. در کتاب «استعاره»^۵ اثر هاوکس، ترجمه طاهری (۱۳۸۰) به دیدگاه‌های کلاسیک، دیدگاه‌های قرن شانزده و هفده و نیز دیدگاه رمانتیک و آثار قرن بیستم و به‌طور مفصل به آرای آن‌ها پیرامون استعاره اختصاص داده شده و سیر تحول آن مورد بحث قرار گرفته است. کتاب «استعاره: مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی» اثر دیگری است که به کوشش ساسانی (۱۳۸۳) در زمینه استعاره ترجمه شده است و دربردارنده هفت مقاله در باب استعاره از صاحب‌نظرانی همچون لیکاف، اکو^۶، ردی^۷ و دیگران است.

در زبان فارسی نیز مطالعاتی در این زمینه انجام گرفته است. کتاب «استعاره و شناخت» نوشته قاسم‌زاده (۱۳۷۹) حاصل تلاشی است برای راه‌یابی به ساختار روان‌شناختی و سازوکارهای شناختی و عصب‌پژوهی استعاره. هوشنگی و سیفی‌پرگو (۱۳۸۸) مقاله‌ای را با عنوان «استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی

1-Lakoff & Terner

2-More than Cool Reason

3-Women, Fire, and Dangerous Things

4-H. Weinrich

5-Metaphor

6-Eco

7-Reddy

شناختی» نوشته‌اند که در آن برخی حوزه‌های مفهومی مبدأ در قرآن بررسی شده است. «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چارچوب زبان‌شناسی شناختی» عنوان مقاله‌ای است به قلم شریفی و حامدی شیروان (۱۳۸۹) که در آن ده کتاب داستان از مجموعه داستان‌های منتشر شده برای گروه سنی کودکان و نوجوانان بررسی شده است. پوراابراهیم و دیگران (۱۳۹۱) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی معنی‌شناختی استعاره صورت در زبان قرآن» نوشته‌اند. در این مقاله با توجه به مدل لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) و نظریات یو^۱ (۲۰۰۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴) به بررسی استعاره صورت در زبان قرآن پرداخته شده است. ملکیان (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود با عنوان «بررسی کاربرد استعاره احساس در گفتار روزمره: مطالعه موردی شهر تهران» به بررسی استعاره احساس در گفتار روزمره مردم شهر تهران در چارچوبی شناختی می‌پردازد. نتایج تحلیل بر روی ۳۰۷ عبارت، پرکاربردترین قلمروهای مبدأ برای مفهوم‌سازی احساس در زبان فارسی را عیان می‌سازد.

۳. نظری به استعاره از گذشته تا به امروز

نخستین کسی که به معرفی اصطلاح استعاره پرداخته، ارسطو است. او استعاره را ویژه زبان ادب دانسته و آن را در میان فنون و صناعات ادبی مورد بررسی قرار می‌دهد. اما افلاطون استعاره را حاصل خلاقیت در زبان می‌داند و آن را جزئی از زبان فرض می‌کند. جرجانی یکی از متفکران مسلمان است که استعاره را مجازی می‌داند که بر پایه تشابه استوار باشد و این یعنی نوعی جانشینی معنایی برحسب تشابه (صفوی، ۱۳۹۰: ۲۶۶). کزازی (۱۳۶۸: ۹۸) استعاره را شیوه‌ای در بازنمود اندیشه شاعرانه تعریف می‌کند. از نظر وی در استعاره دو عنصر مورد مقایسه چنان با هم درمی‌آمیزند که جداکردن آن‌ها از هم ممکن نیست و یکی از آن‌ها دیگری را به یاد می‌آورد و شمیسا (۱۳۸۱: ۵۷) استعاره را در لغت به معنای عاریه خواستن لغتی به جای لغت دیگر

تعریف می‌کند. می‌بینیم که در تمام این رویکردهای سنتی، استعاره به مثابه شگردهی ادبی در نظر گرفته شده است. شفیع‌ی کدکنی (۱۳۷۵) تعریف استعاره را در کتب بلاغت^۱ پیشینیان یکی از پریشان‌ترین تعریف‌ها قلمداد می‌کند و بر این عقیده است که تنوع ارائه شده در تعریف مفهوم استعاره، نشان‌دهنده شبهه و تزلزل متقدمان درباره معنا و مفهوم و حتی کارکرد استعاره است. برخی از آنان هرگونه تشبیهی را که ادات آن حذف شده باشد، استعاره دانسته‌اند. این در حالی است که در تشبیه، همانندی و شباهت مطرح است و در استعاره صحبت از یکسانی است. صفوی (۱۳۹۰: ۲۶۳) نیز بحث درباره استعاره بدون توجه به صنعت تشبیه را نارسا می‌داند.

ریکور^۲ (۱۹۹۸) نیز از جمله نظریه‌پردازان برجسته است که کاربرد استعاره در سنت بلاغی را وسیله‌ای برای آراستن سخن و زینت‌دادن گفتار به هدف متقاعدسازی می‌داند. وی استعاره را ابزاری می‌داند که به وسیله آن، معانی جدید در زبان ظهور پیدا می‌کنند. زبان‌شناسانی چون بلومفیلد، آگدن و ریچاردز^۳ (۱۹۲۳) استعاره را یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر برمی‌شمارند. دریدا^۴ استعاره را بازی دال‌ها می‌داند و لیکاف و جانسون (۱۹۸۰: ۵) استعاره را زیربنای تفکر انسان به حساب می‌آورند. لی^۵ (۲۰۰۱) نیز از جمله کسانی است که بر استعاره به‌عنوان پدیده‌ای شناختی، تأکید ورزیده، علت شناختی بودن آن را نیز درک یک پدیده با توجه به پدیده‌های دیگر عنوان می‌کند.

امروزه اما استعاره دیگر منحصر به بلاغت نیست و استعاری بودن نظام ادراکی انسان بر همگان اثبات شده است. برخی از نظریه‌پردازان مکتب شناختی تا آنجا پیش رفته‌اند که ادعا می‌کنند ظهور و توسعه تمدن‌ها، حاصل پیشرفت تدریجی استعاره‌ها است (جی‌ان‌جاج، ۱۳۹۱: ۶۲). به باور شناختی‌ها استعاره علاوه بر کارکرد پیام‌رسانی، جنبه‌های عاطفی، شناختی و انگیزشی بسیار قوی دارد و همان جنبه‌ها همراه با جنبه‌های

1-rhetoric

2-Ricoeur

3-Ogden & Richards

4-Derrida

5-Lee

ساختاری خود باعث می‌شوند که پردازش اطلاعات در استعاره ویژگی پیدا کند (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۵). در نهایت این لیکاف و جانسون بودند که در سال ۱۹۸۰ در پیچه‌ای تازه به مطالعه استعاره گشودند و با طرح «نظریه معاصر استعاره» آن را به‌عنوان پدیده‌ای که ریشه در نظام فکر بشر دارد، معرفی کردند. آن‌ها اساس استعاره را درک یک چیز بر اساس چیز دیگر عنوان کردند که از طریق آن، مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه دیگر بیان می‌شود. در این رویکرد، استعاره پایگاه تفکر انسان محسوب می‌شود و جایگاه آن نه در ذهن، که در زبان است. بدین ترتیب پس از ظهور زبان‌شناسی شناختی، زبان به وسیله‌ای برای کشف ساختار ذهنی انسان تبدیل شد.

دو دیدگاه کلان درباره استعاره وجود دارد: دیدگاه کلاسیک و دیدگاه رمانتیک. در دیدگاه کلاسیک، استعاره عنصری زینتی است که به زبان افزوده می‌شود و نوعی عامل شکوه و جان‌بخشی و یکی از ابزار لازم برای تأثیربخشی مناسب به کلام به‌شمار می‌آید. اعتقاد به تعلق استعاره به حوزه بلاغی بدان معنا است که استعاره نه به کارکرد معمولی زبان، که به کاربرد غیرمعمول تعلق دارد (هاوکس، ۱۳۸۰: ۲۱-۲۶). اما نظریه پردازان دیدگاه رمانتیک با تصور ارسطو مبنی بر جداکردن استعاره از زبان مخالف‌اند. در این دیدگاه، هیچ راهی برای تفکیک استعاره از زبان وجود ندارد؛ چراکه جهان ما جهان استعاره است و این مفهوم چنان مهم و پررنگ است که حاصل زبان دانسته می‌شود. در نگرش رمانتیک، استعاره از قیدوبندهای مربوط به زبان ادب رهایی می‌یابد و به عنصری لازم برای ادراک جهان تبدیل می‌شود (هاوکس، ۱۳۸۰: ۵۶).

۴. نظریه معاصر استعاره

پایه و اساس تعریف «استعاره مفهومی» را ردی^۱ (۱۹۷۹) در مقاله‌ای به نام «استعاره مجرا»^۲ بنا نهاد و لیکاف و جانسون آن را در سال ۱۹۸۰ با انتشار کتاب «استعاره‌هایی

1-Reddy

2-The conduit metaphor: A case of frame conflict

که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» کامل کردند. ردی استعاره را یکی از شیوه‌های عام و قراردادی و از همه مهم‌تر فرایندی ذهنی معرفی می‌کند که می‌تواند به صورت‌های غیرزبانی تجلی یابد (ردی، ۱۳۸۴: ۱۴۷). لیکاف (۱۹۹۳) اهمیت استعاره را در درک یک تجربه بر اساس تجربه‌ای دیگر دانسته، استعاره‌ها را نه واژه، که تجارب و شناخت‌های عمیقی می‌داند که برای زندگی بشر ضروری‌اند. استعاره‌ها با انتقال معنی از حوزه‌ای به حوزه دیگر، گسترش معنی را به دنبال دارند؛ «مثلاً در گزاره استعاری «کودکان شکوفه‌های زندگی هستند» بخشی از مفهوم و ویژگی‌های شکوفه مانند طراوت و شادابی، رشد و حتی آسیب‌پذیری به مفهوم کودک منتقل می‌شود» (قاسم زاده، ۱۳۷۹: ۱). بر اساس ادعای صاحب‌نظران این نظریه، استعاره تنها قسمت شاعرانه سخن نیست، بلکه بخشی از نظام عظیم استدلال شناختی بشر به‌شمار می‌آید. نتیجه این ادعا که سازمان مفهومی تا حد زیادی استعاری بوده، آن است که خود تفکر نیز استعاری است (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). استعاره سرچشمه معنا است و استفاده از آن در حکم بهره‌گیری از فرایند پویایی است که از معنای اولیه، معانی جدیدی را استخراج می‌کند. بهره‌گیری از استعاره، مفاهیم انتزاعی را به مفاهیمی درک‌پذیر بدل می‌کند و با دستیابی به مفاهیم جدید بر ارزش آثار ادبی نیز می‌افزاید (جی ان جاج، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۳).

به عقیده کووچش^۱ (۲۰۱۰) که پایه و اساس پژوهش حاضر را شکل داده است، در زبان‌شناسی شناختی برای هر استعاره مفهومی، یک حوزه مبدأ و یک حوزه مقصد در نظر گرفته می‌شود. حوزه مبدأ حوزه‌ای است که در مقایسه با حوزه مقصد عینی‌تر و ملموس‌تر است و در دنیای فیزیکی به کمک حواس، درک می‌شود. حوزه مقصد اما انتزاعی‌تر است و به کمک حوزه مبدأ، تجربه و درک می‌شود. بدین ترتیب در استعاره با دو حوزه یا قلمرو مواجه هستیم که یکی در فهم دیگری به ما کمک می‌کند.

۵. ارائه داده‌ها

داده‌های مورد بررسی از میان مطالب دو مجله ورزشی «دنیای ورزش» و دو مجله آشپزی «هنر آشپزی» انتخاب شده است. از این دو مجله به صورت تصادفی و به دو دلیل عمده بهره گرفته شد: دلیل نخست تفاوت چشمگیر تعداد و نوع حوزه استعاره‌ها در هریک از مجلات بود که از همان ابتدای بررسی کلی مجله‌ها، کاملاً مشهود می‌نمود؛ و دیگری به دلیل برخورداری این دو مجله از طیف وسیع مخاطب عام بود و از آنجا که هدف ما بررسی استعاره در زبان روزمره است، این دو حوزه را که امروزه در زندگی روزمره ما جای خود را باز کرده‌اند، انتخاب کردیم. پس از انتخاب مجلات به صورت تصادفی، کل جملات حاوی استعاره مفهومی استخراج شد. سپس با مدنظر قراردادن دسته‌بندی کووچش (۲۰۱۰)، حوزه‌های مبدأ هریک از جمله‌ها را یافته، در گروه‌های مجزا دسته‌بندی کردیم. سپس فراوانی جملات را در هر یک از گروه‌های به دست آمده مورد بررسی قرار دادیم و درصد کاربرد هر حوزه را به دست آوردیم. لازم به ذکر است روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و شیوه بررسی داده‌ها به صورت توصیفی-تحلیلی بوده است.

در استعاره از دیدگاه شناختی به حوزه‌های مبدئی قائل هستیم تا از رهگذر آن بتوانیم مفاهیم کتاب انتزاعی را در چارچوب مفاهیم عینی و ملموس تر درک کنیم. در این تحلیل نیز با توجه به رویکرد کووچش (۲۰۱۰) حوزه‌های مبدأ در نظر گرفته شده‌اند. پس از استخراج تمام جملات حاوی استعاره مفهومی از هر دو مجله، حوزه‌های مبدأ هریک را یافته، در گروه‌های مجزا دسته‌بندی کردیم. ابتدا به حوزه‌های مجلات ورزشی خواهیم پرداخت و سپس حوزه‌های دو مجله آشپزی را مورد بررسی قرار خواهیم داد. لازم به ذکر است در این مقاله صرفاً حوزه‌های پربسامد را ارائه و به ذکر برخی نمونه‌ها (دو حوزه پربسامد و دو حوزه کم‌بسامدترین نمونه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند) بسنده کردیم؛ اما در بررسی فراوانی داده‌ها، کل جمله‌ها را در نظر گرفتیم و برای دوری از اطناب کلام آن را در قالب جدول و نمودار

آوردیم. حوزه‌های مبدأ یافت‌شده در زمینه ورزش که به کمک آن‌ها می‌توان مفاهیم انتزاعی را بهتر درک کرد، عبارت‌اند از:

۵,۱. پربسامدترین حوزه‌ها

۵,۱,۱. حوزه مبارزه

مبارزه یکی از حوزه‌های یافت‌شده در متن مجلات ورزشی است. در کل استعاره‌های مربوط به این حوزه، یعنی همه ۵۷۹ مورد یافت‌شده، مسابقات مختلف رشته‌های گوناگون ورزشی، نوعی مبارزه و جنگ تلقی شده است.

مسی... گفت از نمایش خود در **آوردگاه** برزیل راضی است (ورزشی ۲: ۳۷).^۱

حضور در دو **میدان** مهم رقابت‌های جهانی (همان، ۲۴).

۵,۱,۲. حوزه حرکت

کارکرد خاص بدن ما در محیطی فیزیکی باعث می‌شود در روابط روزمره خود از جهت‌های مکانی در موقعیت‌های مختلف بهره بگیریم. این نوع استعاره این امکان را برای ما فراهم می‌کند تا میان یک مفهوم انتزاعی و جهت‌های مکانی که در محیط فیزیکی تجربه می‌کنیم، ارتباط متقابل ایجاد کرده، به درک آن مفهوم برسیم. ۱۹۸ مورد استعاره در این حوزه یافت شد که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

از هر گروه دو تیم به مرحله دوم **صعود** می‌کنند (ورزشی ۲: ۸).

استقلال اهواز **مقابل** استقلال تهران نمایش خوبی داشت (ورزشی ۲: ۷).

۵,۲. کم بسامدترین حوزه‌ها

۵,۲,۱. حوزه کتابت

حاشیه در لغت به معنی کناره کاغذ یا کناره هر چیز دیگر است. در کل متون ورزشی بررسی‌شده، تنها جمله «در فوتبال ما **حاشیه** جانشین متن شده» (ورزشی ۱: ۵) یافت شد و وجود واژه «متن» در کنار واژه حاشیه، ما را متقاعد ساخت تا به وجود این حوزه قائل باشیم.

۱- از مجله ورزشی دنیای ورزش، شماره ۲۰۶۵، مرداد ۹۳، با عنوان ورزشی ۲ یاد شده است.

۵,۲,۲. حوزه آشنایی

همان‌طور که مواد اولیه غذا طی فرایند پخت، قابل خوردن و استفاده می‌شوند، بازیکنان نیز با پشت‌سر گذاشتن مراحل مختلف و پندگرفتن از پیروزی و شکست در مسابقات، آمادگی لازم را برای مراحل دیگر کسب می‌کنند. بسیاری از مفاهیم انتزاعی مانند تجربه‌اندوزی را به کمک آن می‌توان بیان کرد. در کل مطالب دو مجله، دو جمله با دلالت بر چنین مضمونی یافت شد:

قرار بود ... در مسابقات خود پخته و پر قدرت شوند.

۶. بررسی فراوانی حوزه‌های مبدأ مجله‌های ورزشی

ردیف	حوزه‌ها	تعداد	درصد
۱	مبارزه	۵۷۹	۳۶,۱۸
۲	حرکت	۱۹۸	۱۲,۳۷
۳	رفتارهای جانوران	۱۷۷	۱۱,۰۶
۴	بازی‌ها و ورزش	۸۵	۵,۳۱
۵	نیازهای اولیه	۸۳	۵,۱۸
۶	راه و مسیر	۵۸	۳,۶۲
۷	انسان	۴۱	۲,۵۶
۸	ابزار و ماشین	۳۸	۲,۳۷
۹	طبیعت	۳۷	۲,۳۱
۱۰	نور و تاریکی	۳۳	۲,۰۶
۱۱	اجرام آسمانی	۳۱	۱,۹۳
۱۲	حواس پنج‌گانه	۲۷	۱,۶۸
۱۳	اشیا	۲۵	۱,۵۶

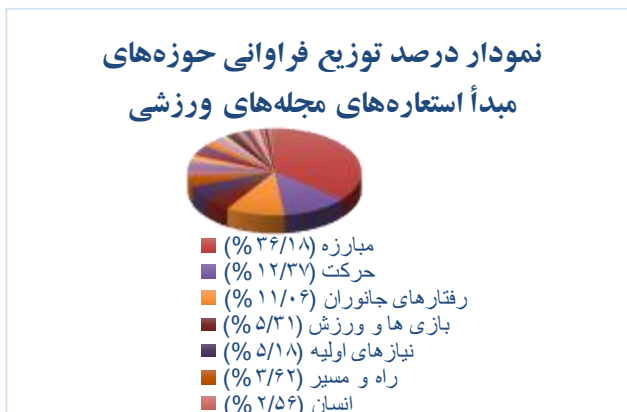
۱,۱۸	۱۹	نیرو	۱۴
۱,۰۶	۱۷	بیماری و سلامتی	۱۵
۰,۹۳	۱۵	تملک	۱۶
۰,۷۵	۱۲	جغرافیا	۱۷
۰,۶۸	۱۱	کمیت و اندازه	۱۸
۰,۶۸	۱۱	مسافت	۱۹
۰,۵۶	۹	شکار	۲۰
۰,۵۶	۹	فیلم	۲۱
۰,۵۰	۸	زندگی و مرگ	۲۲
۰,۵۰	۸	حیوان	۲۳
۰,۵۰	۸	موجودیت	۲۴
۰,۵۰	۸	رنگ	۲۵
۰,۳۷	۶	ادبیات	۲۶
۰,۳۷	۶	ریاضی	۲۷
۰,۳۱	۵	حجم	۲۸
۰,۳۱	۵	تسلط	۲۹
۰,۳۱	۵	مراقبت	۳۰
۰,۲۵	۴	رخداد	۳۱
۰,۲۵	۴	اسناد	۳۲
۰,۲۵	۴	پاکیزگی	۳۳
۰,۱۸	۳	شکل	۳۴
۰,۱۸	۳	آسیب	۳۵
۰,۱۸	۳	ارتفاع	۳۶
۰,۱۲	۲	دما	۳۷

۰,۱۲	۲	آشپزی	۳۸
۰,۰۶	۱	کتابت	۳۹
۱۰۰	۱۶۰۰	تعداد کل	۴۰

جدول توزیع و درصد توزیع فراوانی حوزه‌های مبدأ استعاره‌های مجله‌های ورزشی

ادبیات	6
ریاضی	6
حجم	5
تسلط	5
مراقبت	5
رخداد	4
اسناد	4
پاکیزگی	4

نمودار توزیع فراوانی حوزه‌های مبدأ استعاره‌های مجله‌های ورزشی



نمودار درصد توزیع فراوانی حوزه‌های مبدأ استعاره‌های مجلات ورزشی

نمودارهای این بخش، فراوانی حوزه‌های مبدأ اصلی مورد استفاده در مجلات ورزشی را نشان می‌دهد. همان‌طور که از نمودارها برمی‌آید، حوزه مبارزه با ۵۷۹ جمله و ۳۶/۱۸ درصد، بیشترین و حوزه کتابت با ۱ جمله و ۰/۰۶ درصد، کمترین میزان فراوانی در مجلات ورزشی را به خود اختصاص داده‌اند.

۷. حوزه‌های مبدأ استعاره‌های آشپزی

در این قسمت نیز به ذکر دو نمونه از پربسامدترین و کم‌بسامدترین حوزه‌ها بسنده کرده، بقیه نمونه‌ها را در قالب جدول ارائه خواهیم کرد. حوزه‌های مبدأ یافت‌شده در متون آشپزی به قرار زیر است:

۷,۱. پربسامدترین حوزه‌ها

۷,۱,۱. حوزه شکل

در همه ۳۱ مورد یافت‌شده، استفاده از واژه‌های نگینی، خلالی، صدفی، مخروطی، حلزونی، قیفی، گوش‌ماهی، لقمه و دکمه‌ای به دلیل شباهت ظاهری مواد نام‌برده با واژه‌های مذکور است:

پیاز نگینی (آشپزی ۲: ۳۲)^۱

پیراشکی حلزونی (آشپزی ۱: ۸۰)^۲

لازانیاید قیفی (همان: ۷۸)

پاستای گوش‌ماهی (همان: ۲۴)

۷,۱,۲. حوزه رنگ

سینه را در روغن سرخ کنید (آشپزی ۲: ۳۸).

در این جمله، رنگی که سینه مرغ پس از طبخ به خود می‌گیرد، با رنگ سرخ به چیزی زدن، قیاس شده است. ۱۴ مورد استعاره در حوزه رنگ یافت شد.

۱- در این مقاله از مجله هنر آشپزی، شماره ۱۲۱، سال یازدهم، آبان ۹۳، با عنوان آشپزی ۲ یاد شده است.

۲- در این مقاله از مجله هنر آشپزی، شماره ۱۱۳، سال دهم، اسفند ۹۲، با عنوان آشپزی ۱ یاد شده است.

اجازه می‌دهیم تا مرغ طلایی شود (همان: ۲۲).

طلایی در متن مجلات آشپزی برخلاف متون ورزشی به رنگ اشاره دارد نه به ارزش و این به دلیل چندمعنایی بودن واژه «طلایی» است.

۷,۲. کم‌بسامدترین حوزه‌ها

۷,۲,۱. حوزهٔ اندازه

گوجهٔ گیلاسی (آشپزی ۲: ۶۹).

به‌وجود آمدن گوجه‌های کوچکی که به لحاظ شکل مانند گوجهٔ طبیعی بوده، از نظر اندازه به گیلاس شباهت دارند، محصولی به نام گوجهٔ گیلاسی را به‌وجود آورده است. در کل مجلات یک نمونه از مورد نام‌برده یافت شد.

۷,۲,۲. حوزهٔ جهت

حرارت بالا (آشپزی ۱: ۲۰).

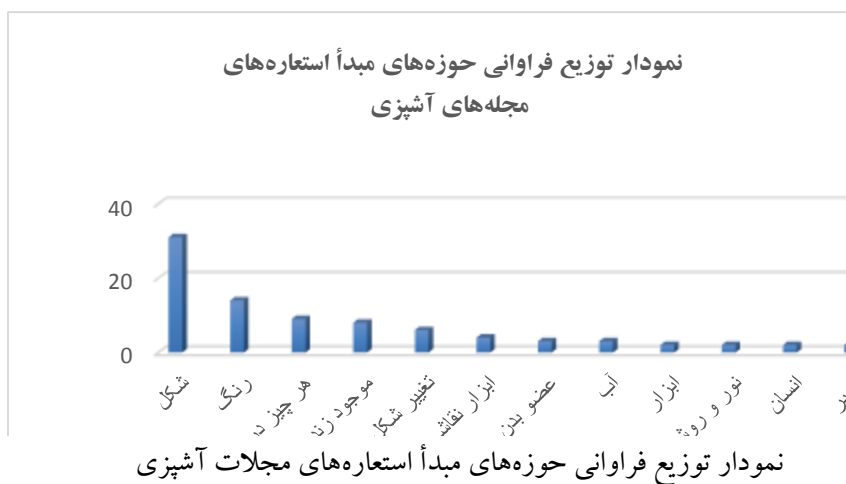
«بالا» بر مفهوم جهت دلالت دارد اما در متون آشپزی از آن برای بیان بیشتر بودن بهره گرفته شده است. این نمونه نیز تنها مورد یافت‌شده در این حوزه بود.

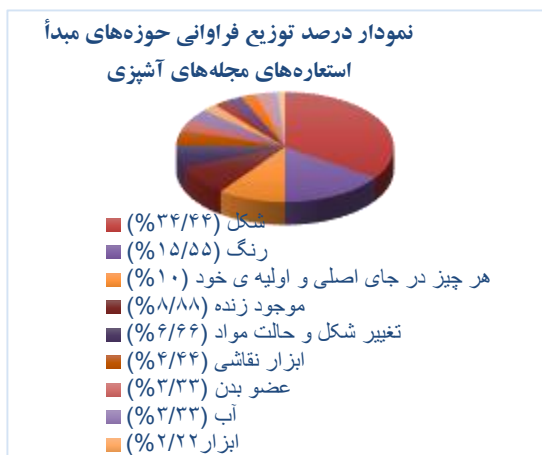
۸. بررسی فراوانی حوزه‌های مبدأ مجله‌های آشپزی

ردیف	حوزه‌ها	تعداد	درصد
۱	شکل	۳۱	۳۴,۴۴
۲	رنگ	۱۴	۱۵,۵۵
۳	هر چیز در جای اصلی و اولیهٔ خود	۹	۱۰
۴	موجود زنده	۸	۸,۸۸
۵	تغییر شکل و حالت مواد	۶	۶,۶۶
۶	ابزار نقاشی	۴	۴,۴۴
۷	عضو بدن	۳	۳,۳۳
۸	آب	۳	۳,۳۳

۲,۲۲	۲	ابزار	۹
۲,۲۲	۲	نور و روشنایی	۱۰
۲,۲۲	۲	انسان	۱۱
۲,۲۲	۲	مسیر	۱۲
۲,۲۲	۲	شکل اولیه و دست نخورده اجسام	۱۳
۱,۱۱	۱	اندازه	۱۴
۱,۱۱	۱	جهت	۱۵
۱۰۰	۹۰	تعداد کل	۱۶

جدول توزیع و درصد توزیع فراوانی حوزه‌های مبدأ استعاره‌های مجله‌های آشپزی





نمودار درصد توزیع فراوانی حوزه‌های مبدأ استعاره‌های مجلات آشپزی جداول و نمودارهای این بخش نشان از آن دارد که حوزه شکل با ۳۱ مورد یافت شده و ۳۴/۴۴ درصد، بیشترین میزان و حوزه اندازه و جهت با ۱ مورد یافت شده و ۱/۱۱ درصد، کمترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

۹. تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس نتایج به دست آمده، حوزه مبارزه با ۵۷۹ مورد و ۳۶/۱۸ درصد، بیشترین میزان فراوانی را در متن مجلات ورزشی دارد و حوزه کتابت با ۱ مورد و ۰/۰۶ درصد، کمترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده است. این حقیقت که بارزترین و بیشترین تعداد استعاره، آن هم با تفاوت چشمگیر، در این دو مجله ورزشی به حوزه مبارزه مربوط است، ما را به سوی این باور که «ورزش، مبارزه است» رهنمون می‌سازد. حوزه مبارزه با ۵۷۹ مورد و ۳۶/۱۸ درصد، بیشترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده است و تفاوت آن با فراوانی دیگر حوزه‌ها به شکل چشمگیری آشکار است. این تفاوت آشکار، کاملاً معنادار است و از تلقی ورزش در جامعه امروز ما حکایت می‌کند. این استعاره مفهومی، شناخت روشن تری از ساختار ورزش به دست

می‌دهد و آن عبارت است از اینکه در باور عموم به‌طور عام و به‌اعتقاد نویسندگان متون ورزشی به‌طور خاص، ورزش در جامعه ما رنگ‌وبوی مبارزه دارد.

کمترین میزان فراوانی در مجلات ورزشی به حوزه کتابت مربوط می‌شود. این حوزه با فراوانی ۱ و ۰/۰۶ درصد، در جایگاه کوچک‌ترین حوزه قرار گرفته است. حاشیه در لغت به معنی کناره کاغذ یا کناره هر چیز دیگر است و امروزه در بسیاری از جملات ما رواج پیدا کرده و به حوزه‌های مختلف تسری یافته است. استعاره‌ها می‌توانند به حوزه مفهومی مقصدشان ساختاری نو ببخشند و پذیرفتن استعاره‌ها و روابط مفهومی میان آن‌ها می‌تواند به شکل‌گیری یک باور بینجامد. در مجلات ورزشی، «متن» را می‌توان استعاره‌ای برای مسائل مهم و «حاشیه» را استعاره‌ای برای مسائل جزئی و پیش‌پاافتاده دانست. این همان باوری است که با کاربرد دائم این استعاره و در اصطلاح، جاافتادن آن در میان عموم، شکل می‌گیرد. به‌اعتقاد نگارندگان، وجود تنها ۱ مورد از این استعاره در دو مجله ورزشی، معنادار است و مقایسه آن با کاربرد وسیع واژه «حاشیه»، گواهی بر این حقیقت است که در جامعه ورزشی ما، «متن» بسیار کم‌رنگ‌تر از «حاشیه» است؛ یعنی مسائلی که بازیکنان و مسئولان ورزش با آن دست‌به‌گریبان‌اند در مقایسه با مسائل مربوط به خود رشته‌های ورزشی، همیشه پررنگ‌تر و پراهمیت‌تر بوده و اصطلاحاً «اصل»، همیشه قربانی «حاشیه» شده است.

در متن مجلات آشپزی، حوزه شکل با ۳۱ مورد یافت‌شده و ۳۴/۴۴ درصد، بیشترین میزان فراوانی و حوزه اندازه و جهت با ۱ مورد یافت‌شده و ۱/۱۱ درصد، کمترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. آشپزی از جمله حوزه‌هایی است که از گذشته تا امروز در زندگی بشر حضور داشته و با شکل‌گیری و پیچیده‌تر شدن مفاهیم بشری، این حوزه نیز عقب‌نمانده و پایه‌پای تغییر مفاهیم، رشد کرده و تغییر یافته است. در این فرایند با مواد گوناگون و تغییر ماهیت آن‌ها سروکار داریم؛ ماده‌ای غیرخوردنی به ماده‌ای خوردنی تغییر می‌یابد، ماده‌ای سنگین، سبک و ماده‌ای بی‌مزه به

ماده‌ای مزه‌دار تبدیل می‌شود. در تمام این دگرگونی‌ها یا به عبارت بهتر آفرینش‌ها، با دگرگونی مواد مواجه هستیم. این دگرگونی می‌تواند در قالب تغییر ماهیت، ویژگی، شکل و هویت مواد رخ بنماید؛ اینکه در حوزه آشپزی، بیشترین میزان فراوانی مربوط به استعاره شکل است، می‌تواند به همین دلیل باشد. اهمیت طراحی و تزئین غذا در عصر حاضر بر هیچ کس پوشیده نیست. شکل ظاهری غذا و تأثیری که تزئین آن بر اشتهای فرد دارد، باعث شده تا حتی در دانشگاه‌ها رشته‌ای با همین نام راه‌اندازی شود. کمترین میزان فراوانی در مجلات آشپزی به صورت مشترک به حوزه اندازه و جهت با فراوانی ۱ و درصد ۱/۱۱ تعلق داشت. این موضوع شاید بدیهی به نظر برسد؛ زیرا آشپزی برخلاف ورزش، حوزه‌ای است که در آن، جهت، چندان مطرح نیست. تنها مورد یافت‌شده در حوزه جهت عبارت «حرارت بالا» بود که به معنای زیاد بودن شعله آتش به کار گرفته شده است.

در حوزه اندازه، تنها عبارت یافت‌شده، «گوجه گیلادی» بود؛ این نوع گوجه را که به دلیل کوچک بودن، به گیلاد شبیه دانسته‌اند، در حوزه اندازه گنجانیدیم. از آنجا که آشپزی، فرایندی عینی و ملموس است، همه مواد در آن قابل رؤیت بوده، از اندازه مشخصی برخوردارند و برای درک مفهوم کوچکی، متوسط بودن یا بزرگی‌شان، نیاز نیست آن‌ها را به ماده‌ای دیگر شبیه بدانیم. شاید دلیل اینکه گوجه گیلادی از این قاعده مستثنا شده، این باشد که از تولید انبوه این گونه گوجه‌فرنگی‌ها که به دلیل شرایط و اقتضائات زندگی امروزه بشر به وجود آمده، مدت زیادی نمی‌گذرد و می‌توان آن را به آسانی در آپارتمان‌ها، باغچه‌های خانگی، تراس‌ها و حتی پشت پنجره‌های آفتاب‌گیر پرورش داد. همین موضوع باعث شده تا برای درک شکل ظاهری این محصول جدید از ترکیب نام دو محصول نام آشنا یعنی گوجه به دلیل شباهت شکل و رنگ و گیلاد به دلیل شباهت اندازه بهره گرفته شود؛ زیرا گیلاد با توجه به اندازه کوچکی که دارد، می‌تواند در درک مفهوم کوچکی،

یاری‌رسان باشد. بدین ترتیب شاید دقیق‌تر آن باشد که در ساخت عبارت گوجه گیلاسی، سه حوزه رنگ، اندازه و شکل را دخیل بدانیم.

۱۰. نتیجه‌گیری

از آنجا که استعاره در زبان رخ می‌دهد، می‌توان آن را ابزار مناسبی برای شناخت تفکر و بینش انسانی دانست. بی‌تردید انتخاب و به‌کارگیری استعاره‌های متفاوت در متن از سوی کاربران زبان، بازتاب نگرش و تلقی آن‌ها درباره مسائل است. عکس این مطلب نیز صادق است؛ بدین معنا که ایدئولوژی‌ها و بینش‌ها، به‌منظور تحقق باورها و آموزه‌های خود، به خلق استعاره دست می‌زنند. به این ترتیب نقش استعاره در اجتماع و در زندگی انسان، انکارناپذیر است. ورزش نیز یکی از بافت‌های اجتماعی است که استعاره‌ها در آن کارکردهای خود را به اجرا درمی‌آورند. انتخاب استعاره‌های مختلف برای افراد، تیم‌ها و خود ورزش، نشانگر دیدگاه نویسندگان مجلات ورزشی است. استعاره‌ها می‌توانند با برجسته‌سازی، کم‌رنگ‌سازی و حتی پنهان‌سازی جنبه‌های مختلف مفاهیم متعدد، به درک هرچه بهتر و ملموس‌تر آن‌ها یاری کنند.

استعاره مفهومی «ورزش مبارزه است»، شناخت روشن‌تری از ساختار ورزش به‌دست می‌دهد؛ یعنی در باور عموم و به‌اعتقاد نویسندگان متون ورزشی، ورزش در جامعه ما رنگ‌وبوی مبارزه دارد. درک این موضوع چندان دشوار نیست و کشمکش‌ها و ماجرای درگیری‌های بین تیم‌ها، فدراسیون‌ها و مسؤولان حوزه ورزش، به‌طور دائم به‌سمع و نظر می‌رسد. همچنین تهیه برنامه‌های تلویزیونی در این رابطه بر این ادعا صحه می‌گذارد.

اما چنان‌که از داده‌ها برمی‌آید، به‌نظر می‌رسد به‌طور کلی زمینه آشپزی به دلیل عینی بودن، به اندازه حوزه ورزش به بیان استعاری نیاز ندارد. مادّی بودن و در دسترس بودن مواد، ویژگی‌های عینی و مشخص مواد آشپزی همانند شکل، حجم، میزان،

رنگ، مزه و حتی قابلیت لمس آن‌ها با دست، این عینیت را تحقق می‌بخشد و انسان را از درک مسائل مجرد به کمک مفاهیم غیرمجرد بی‌نیاز می‌سازد.

با پایان یافتن این پژوهش، ادعای «استعاری بودن نظام تفکر انسان» بار دیگر رخ نمایاند و ارتباط زبان با تفکر و کنش‌های انسان دوباره به اثبات رسید؛ اینکه استعاره‌ها به مفاهیم روزمره ما ساختار می‌بخشند و بازتاب این ساختار در زبان روزمره نمایان است.

منابع

- پورابراهیم، شیرین (۱۳۹۱)، «بررسی معناشناختی استعاره صورت در قرآن»، فصل‌نامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، س ۴، ش ۹، ۱-۱۸.
- جیان‌جاج، آنتونی (۱۳۹۱)، **زبان و استعاره، زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی** (مجموعه مقالات)، ۷-۱۵. تهران: هرمس.
- ردی، مایکل (۱۳۸۴) **استعاره مجرا**، ترجمه فرزانه سجودی، استعاره: مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی (مجموعه مقالات)، تهران: سوره مهر.
- ریکور، پل (۱۳۸۶) «**استعاره و ایجاد معانی جدید در زبان**»، ترجمه حسین نقوی. معرفت، س ۱۶، ش ۲۰، ۸۱-۹۴.
- شریفی، شهلا و زهرا حامدی شیروان (۱۳۸۹)، **بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چارچوب زبان‌شناسی شناختی**، تفکر و کودک، س ۱، ش ۲، ۳۹-۶۳.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵)، **صور خیال در شعر فارسی**، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، **بیان و معانی**، تهران: فردوس.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۰)، **درآمدی بر معنی‌شناسی**، تهران: سوره مهر.
- کزازی، جلال‌الدین (۱۳۶۸)، **بیان، زیبایی‌شناسی سخن پارسی**، تهران: کتاب‌ماد.
- قاسم‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۷۸)، **استعاره و شناخت**، تهران: فرهنگ‌نگار.
- لیکاف، جورج (۱۳۸۳) **نظریه معاصر استعاره**، ترجمه فرهاد ساسانی، استعاره، مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی (مجموعه مقالات)، تهران: سوره مهر، ۱۹۵-۲۹۸.
- مجله **دنیای ورزش** (۱۳۹۲)، سال چهارم و چهارم، شماره ۲۰۴۷.
- مجله **دنیای ورزش** (۱۳۹۳)، سال چهارم و چهارم، شماره ۲۰۶۵.

- مجله هنر آشنیزی (۱۳۹۲)، سال دهم، شماره ۱۱۳.
- مجله هنر آشنیزی (۱۳۹۳)، سال یازدهم، شماره ۱۲۱.
- ملکیان، معصومه (۱۳۹۱)، **بررسی کاربرد استعاره احساس در گفتار روزمره: مطالعه موردی شهر تهران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا.
- واینریش، هارالد (۱۳۸۶)، **استعاره، زبان‌شناسی و ادبیات: تاریخچه چند اصطلاح**، ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس.
- هاوکس، ترنس (۱۳۸۰)، **استعاره**، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- هوشنگی، حسین و محمود سیفی پرگو (۱۳۸۸)، «**استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی**»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، س ۱، ش ۳، ۹-۳۴.
- Johnson, Mark (2010) **Metaphor: A Practical Introduction**, Oxford: Oxford University Press.
- Kovecses, Zoltan (2010) **Metaphor: A Practical Introduction**. Oxford: Oxford University Press.
- Lakoff, George. & Mark Johnson, (1980) **Metaphors We Live By**, Chicago: Chicago University press.
- _____ (1987) **Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind**, Chicago: Chicago University Press.
- _____ (1989) **More Than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor**, Chicago: University of Chicago Press.
- _____ (1993) **The Contemporary Theory of Metaphor**, In A. Ortony (ed.). **Metaphor and Thought**, Cambridge: Cambridge University Press. 51- 202.
- Lee, David (2001), **Cognitive Linguistics: An Introduction**. Oxford: Oxford University Press.
- Ogden, C. K. and I. A. Richards (1923), **The Meaning of Meaning**. London: Kegan Paul.
- Reddy, M. J. (1979) **The Conduit Metaphor: A Case of Frame Conflict in our Language More about Thought. Metaphor and Thought**. 248- 324.
- Turner, Mark (1994) **Design for Theory of Mining. Neacher and Ontogenesis of Mining**.
- Yu, Ning (1998) **The Contemporary Theory of Metaphor: A Perspective from Chinese**. Amsterdam: J. Benjamins.

